

متن پرسش

استاد بزرگوار سلام و احترام: بنده نزدیک ده سال مادری داشتم که متبلا به سرطان بودند و دیدن رنج های ایشان به همراه سایر مشکلات خانوادگی، و در نهایت فوت ایشان منجر به افسردگی بسیار شدید در بنده شد. مدتی پس از فوت مادرم سعی کردم صبر پیشه کنم و با قرآن و امور معنوی به دنبال درمان خلأهای روحی خودم بودم، اما متأسفانه مدتی بعد به دلیل افسردگی شدید و تعدد مشکلات در زندگی نعوذ بالله دچار حس بدبینی به خداوند و کاهلی در انجام امور دینی شدم و بویژه کنترل طهارت چشم را از دست دادم و گناहانی را مرتکب شدم که تصور نمی‌کردم به آنها آلوده شوم. دانشگاه هم فضایی به شدت در نقد و انکار همه حلقه های اتصال معنوی از قرآن کریم تا مهدویت و ولایت فقیه را داشت و ناخواسته به تضعیف باورهای ما منجر می‌شد. همزمان با این اتفاقات دانشجوی بسیار موفق بودم و اخبار مربوط به موفقیت هایم نقل مجالس شده بود و مستمراً شاهد پیشرفت در کارهایم بودم. به حدی که به دلیل موقعیت های شغلی خوب تصمیم به تأهل گرفتم. این وضعیت ادامه پیدا کرد تا زمستان سال گذشته که مجدداً تصمیم به اهتمام در انجام امور دینی و معنوی گرفتم اما آن زمان شدیداً به وسواس فکری و عملی دچار شدم. تا حدی که مرا به بیقراری های شبانه و گاه بی خوابی های مطلق چند روزه کشاند. مدتی دچار وسواس سلامتی شدم و هر نوع تغییر در وضعیت جسمی ام را نشانه ای از ابتلا به یک بیماری تلقی می‌کردم. سپس به شدت دچار وسواس عملی در زمینه طهارت شدم، بگونه ای که در تمام نماز مشکوک به شماره رکعات و صحت اذکار بودم و از طرف دیگر هجوم افکار ناخواسته شیطانی سراسیمه ام می‌کرد. هر زمان می‌خواستم به یکی از ائمه اطهار (ع) متوسل شوم، افکار توهین آمیز ناخواسته حلقه اتصال را دچار اختلال می‌کرد و هر زمان در خیابان گام می‌نهادم، هجوم افکار منفی درباره دیگران و تصویرسازی های ناپسند از آنان عذاب می‌داد. اساتید طب سنتی علت را غلبه سودا عنوان کردند و تدابیر سودازدایی را تجویز نمودند. اساتید طب مدرن هم تشخیصشان ابتلا به OCD یا اختلال وسواس فکری عملی اجباری بود. اما نمی‌دانم چرا تصور این است که بیش از همه این وضعیت معلول مسائل اخلاقی و روحی بنده است و اگر درمانی اساسی می‌خواهم باید در این زمینه جستجو کنم. در ماه مبارک رمضان مدتی مصرف داروهای شیمیایی را کنار گذاشتم و با انجام برخی دستورات العمل‌ها الحمدلله باورهای دینی ام بسیار تقویت شد و حال رو به بهبود نسبی رفت و آن تصاویر ناخواسته کمرنگ شدند، اما همچنان بی خوابی آزارم می‌دهد و باعث می‌شود حال معنوی برای عبادت و ذکر نداشته باشم. از طرفی هم دلم نمی‌خواهد به مصرف داروهای شیمیایی روی بیاورم. و هم از ظهور گاه و بیگاه افکار شیطانی ناخواسته مکدر و

ناراحت می‌شوم. از طرف دیگر، بسیار اهل استماع موسیقی بویژه سنتی و عرفانی بودم، اکنون از صبح که بلند می‌شوم تا آخر شب انگار در مغزم قطعات پراکنده موسیقی به صورت غیر ارادی پخش می‌شود و از کنترل من خارج است. به این فکر می‌کنم که شاید نیاز است از موسیقی توبه کنم. در زمینه امور معنوی واقعا دچار حیرت هستم. نمی‌دانم این وضعیت را عقوبت گناه بدانم، امتحان الهی بدانم، یا سحر و چشم زخم تلقی کنم؟ یا چون فرد به شدت موفق بودم و بعد یکباره بیماری شدید پیدا کردم را استدراج بدانم. در کلام اساتیدی چون جنابعالی هر کدام از این موارد دستورالعمل‌های جداگانه‌ای دارند و من نمی‌دانم به کدام عمل کنم. چون علت را نمی‌شناسم درمان را هم نمی‌دانم چیست. آیا مراجعه به اساتید حوزوی علوم غریبه را مفید می‌دانید؟ از جنابعالی درخواست دارم اول اینکه لطفاً بفرمایید برای درمان این احوال چه کارهایی باید انجام بدهم؟ دوم اینکه برای بنده دعا بفرمایید تا ان شاءالله بازگشت سلامتی ام فرصتی باشد تا بتوانم در ادامه عمر گذشته ام را جبران کنم و ان شاءالله به حد لیاقت مصداق «قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي» باشم و البته نذر کرده ام در صورت شفا از بیماری تمام تلاشم برای تحقق این دعا باشد. در ماه رمضان مدام به این فراز دعا فکر می‌کردم: وَأَعْتَبِي بِالْبُكَاءِ عَلَي نَفْسِي فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْأَمَالَ عُمْرِي وَقَدْ نَزَلْتُ مَنزِلَةَ الْأَيْسِينَ مِنْ خَيْرِي فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالاً مِنِّي وَنَمِيدَانِمِ خَدَاوَنِدِ فَرْصَتِ دِيغِرِي دَرِ اِخْتِيَارِمِ قَرَارِ مِي دَهْدِ يَ اِخِيَرِ اِنِ شَالَلَهْ سَلَامَتِ بَاشِيَدِ وَ خَدَاوَنِدِ بَه حَضْرَتَعَالِي عَمْرِ بَ اِعْزَتِ بَدَهْدِ

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: با توجه به روحانیتی که بحمدالله در عمق وجودتان هست و مانع می‌شود از حقیقت منقطع شوید و باید شکر کنید؛ بنده اولاً: جهت شفای هرچه بیشتر جنابعالی دعا می‌کنم و ثانیاً: رجوع به علوم غریبه را قابل اعتماد نمی‌دانم و پیشنهاد می‌شود بعد از مطالعه کتاب «ادب خیال و عقل و قلب» با کتاب «ده نکته در معرفت نفس» و شرح صوتی آن خود را وارد عالم مجرد خود بگردانید تا ان شاءالله به نتایج خوبی نائل شوید. موفق باشید